

# آیا فیدل خیالاتی شده است یا اپوزیسیون بی خیال؟

دوشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۸۹ - ۲ اوت ۲۰۱۰



محسن مقصودی

مدتی است که فیدل کاستر و رهبر پرآوازه و بازنشسته کوبا، طی مقالاتی هشدار می دهد که حمله نظامی آمریکا به ایران حتمی است و این حمله به برخورد اتمی فرا خواهد روئید و کشورهای آمریکای لاتین باید خود را برای این واقعیت آماده سازند. وی علت این حمله را دستیابی ایران به توانائی غنی سازی اورانیم تا 20 درصد می داند که از باز شدن راه فنی، برای رسیدن به مواد هسته ای لازم برای ساختن بمب اتمی خبر می دهد. امری که برای غرب غیرقابل قبول است. آیا فیدل در دوران بازنشستگی خیالاتی شده است؟

محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ولی فقیه در ایران، در چند روز اخیر با قطعیت اعلام کرد که آمریکا در صدد است تا سه ماه آینده به دو کشور دیگر در منطقه خاورمیانه تجاوز نظامی کند.

برخی کارشناسان سیاسی با اشاره به یاوه سرائی های مکرر احمدی نژاد، بعید می دانند که آمریکا با وجود گیر در چنبره دو جنگ عراق و افغانستان و بحران های اقتصادی و زیست محیطی و رهبری اوباما، بخواهد خود را در جبهه نظامی دیگری آن هم به گستردگی و پهناوری ایران، گرفتار کند.

مایک هایدن، رئیس سابق سیا، اما، آشکارا از اجتناب ناپذیری اجرای سناریو عملیات نظامی علیه ایران می گوید. آشکار است که نقشه های حمله به مراکز اتمی و زیر ساخت های اقتصادی و نظامی ایران توسط مراکز فرماندهی نظامی آمریکا و پنتاگون تهیه شده است و هر روز دقیق تر می شود.

بیشترین، گران ترین و پیشرفته ترین سلاح های کشتار و تخریب در منطقه خاورمیانه و نزدیک خریداری و انبار می شوند، خلیج فارس مملو از ناوهای جنگی و سربازان تا دندان مسلح شده است. در رسانه های غربی مرتب از سناریوهای جنگ و تهدید نظامی گفته و نوشته می شود. رسانه های فارسی زبان آمریکا و انگلیس به مدد قلم بمزدانشان، به آماده سازی اذهان برای عملیات نظامی محدود و نامحدود علیه ایران مشغولند. کارگزاران مزدور سرویس های غربی چنان نفرت پراکنی فریبکارانه ای می کنند که مردم را در این خواب

فرو برند که هر بمبی در ایران فرود آید چنان "هوشمند" است که درست به فرق سر ولی فقیه و یا هریک از سرکردگان رژیم می خورد و کسی و بنائی آسیب نمی بیند.

تا سه ماه دیگر اولین نیروگاه اتمی در ایران بارگزاری می شود و هر حمله نظامی به آن به معنی یک انفجار هسته ای است که تشعشعات غیر قابل کنترلی را در منطقه موجب خواهد گردید و زندگی میلیون ها نفر از هموطنانمان و نیز دیگر همسایگان ایران را تحت تاثیر قرار خواهد داد. افسران اسرائیل برای این حملات مرتب تمرین نظامی می کنند. کارخانه های موشک سازی سپاه به تولید انبوه موشک پرداخته اند و مراکز اتمی اسرائیل را نشانه رفته اند. جوزف بایدن معاون ریاست جمهوری آمریکا باصراحت اظهار داشت که امنیت آمریکا و اسرائیل به هم گره خورده است و هیچ فاصله ای مابین آنها نیست. کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا از ضربه اتمی به ایران سخن گفته است. سال هاست که دیپلمات های غربی اظهار می کنند که جنگ با ایران بهتر است از یک ایران مجهز به سلاح اتمی!

مدودف رئیس جمهور روسیه با دلخوری از لفاظی های مسئولان رژیم هشدار می دهد که از خر شیطان پیاده شوند و هدف فعالیت های هسته ای را در ایران روشن سازند و از سوق آن به سوی اهداف شبهه انگیز و مشکوک نظامی بپرهیزند و به روند مذاکرات بین المللی بپیوندند. رئیس جمهور با شعور ولایت از این سخنان چنین برداشت می کند که روسیه دنباله رو آمریکا شده است. رسانه های مزدور هم بشکن می زنند.

قطع نامه چهارم شورای امنیت سازمان ملل که به ابتکار آمریکا و انگلیس و فرانسه، تصویب شد، مرکز توجه خودش را روی عدم دسترسی ایران به سلاح های متعارف دفاعی همچون تانک و نفربر و بالگرد قرار داده است. اجرای این قطع نامه تاثیری در تضعیف نیروهای نظامی و انتظامی رژیم در سرکوب مردم معترض به دیکتاتوری ندارد و تنها بنیه دفاعی کشور را تضعیف می کند و کار حمله نظامی به ایران را تسهیل می سازد. تحریم های گسترده ای که پس از این قطع نامه توسط دولت و مجالس آمریکا به اتفاق آرا و سپس اتحادیه اروپا تصویب شد نیز نه به تضعیف سپاه می انجامد و نه جنبش آزادی خواهی مردم ایران را تقویت می کند، و تنها زمینه سازی برای پیشبرد نقشه های پیش رو است.

چیدمان امروز سیاسی، دیپلماتیک و نظامی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و نزدیک نشان از آن دارد که فیدل پیر شده اما خرفت نشده است. خیالاتی در کار نیست، خطر جنگ واقعی است! می توان بر سر دوری و نزدیکی زمانی ضربه و یا حمله نظامی حدس و

گمان هائی زد. ولی تا زمانی که یک چرخش عمده و اساسی در سیاست داخلی و خارجی ایران صورت نپذیرد ، بسوی یک فاجعه نظامی پیش می رویم.

توازن اقتصادی، سیاسی و نظامی جهان، حداقل تا 20 سال آینده دستخوش تغییرات عمده ای نخواهند شد و سیاست های راهبردی آمریکا و غرب در دستیابی به منابع انرژی و معدنی و کنترل آنها، دوباره نوشته نمی شوند. کشور ما تنها زمانی می تواند در این نظام بین المللی واقعا موجود، از جنگ و تهدید و تحریم رهایی یابد و توسعه با ثبات اقتصادی و اجتماعی داشته باشد که از یک نظام سیاسی دمکراتیک با پشتیبانی قوی مردمی و دیپلماسی صلح جویانه و مورد پشتیبانی تمامی نیروهای ترقی خواه و دمکرات جهان، بهره مند باشد. بغیر از این در رقابت های بین المللی به کشورما همچون گوشت قربانی می نگرند.

در میانه راه جنگ و درگیری نظامی ، اپوزیسیون رژیم ایران نقش مهمی می تواند بازی کند، امری که فیدل اشاره ای به آن نمی کند! او از یک سو حکومت ایران را می بیند و از سوی دیگر امپریالیست ها را! از گوش های سنگین پیرمرد که بگذریم حتما صدای اپوزیسیون در مخالفت با جنگ چندان بلند نیست!

من بر این باورم، یکی از عوامل مهمی که موجب شد تا جرج بوش رئیس جمهور جنگ افروز آمریکا از حمله به ایران صرف نظر کند، مخالفت یکپارچه مخالفین رژیم جمهوری اسلامی با درگیری نظامی بود. اما این هشجاری پس از خیزش آزادی خواهانه مردمی یکساله اخیر در کشور دچار نوعی بی خیالی و خوش خیالی گشته است.

وقتی جان بولتون ، سفیر سابق آمریکا و کسی که همیشه خواهان ضربه نظامی به ایران بوده است ، مهمان مجاهدین در 30 خرداد می شود ، وقتی چند جوان ذوق زده از گرفتن ویزا و بلیط و چند هزار پوند و دلار مشغول کار در رسانه های غربی می شوند و کلامی انتقادی از جنگ افروزان و مقاصدشان نمی گویند، وقتی همان کسانی که از حمله نظامی به عراق دفاع کردند تریبون ها را قبضه می کنند و از بمب گذاری و ترور دفاع می کنند، وقتی درشعارهای جنبش سبز، مخالفت با سیاست های هسته ای رژیم نقشی ندارد، وقتی پایوران و رهبران جنبش سبز از غنی سازی و انبار مواد اتمی دفاع می کنند، وقتی هیچ اعلامیه و قطع نامه ای از سوی سازمان ها و احزاب دمکرات و مترقی علیه این همه تهدیدات نظامی نمی بینیم و راه صلح نشان داده نمی شود، وقتی درصفحات تارنما ها درموردعواقب خانمانسوز جنگ ، بسیار کم می نویسند که هیچ تناسبی با اهمیت حیاتی آن ندارد، چه می توان گفت بجز بی خیالی و بی حالی اپوزیسیون.

اندازه و توازن، سیاست را می سازند. جنگ تمام موازنه ها را به هم می زند. عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی کشور را ده چندان می کند. توسعه را نابود می کند. دموکراسی را فرمایشی و آزادی را مشروط می سازد. کشتار و اعدام و سرکوب را که هم اینک نیز در کشور بیداد می کند، هزار برابر می کند. حقوق انسانی را در گلوی تفنگ خفه می سازد و کشوری سوخته و پاشیده بجا می گذارد. به چپ و راست کشورمان نظری کنیم، احتیاج به تفسیر نیست!

نباید گذاشت تنها رژیم و کشورهای غربی آینده و سرنوشت کشورمان را رقم بزنند. اپوزیسیون دمکرات و آزادی خواه و صلح طلب می تواند با تکیه بر بسیج افکار عمومی، بسیار موثر و سرنوشت ساز عمل کند. اگر اپوزیسیون مطالبات روشن و عادلانه را در عرصه عمومی سیاست اتمی و خارجی ایران و روابط بین الملل را مطرح کند و فعالانه راه حل های مناقشات را بر روی میز قرار دهد آنگاه بستر لازم برای دخالت گری و مشارکت مردمی فراهم می شود. همانطور که امروز با حساسیت ها و اعتراض ها و افشاگری های سراسری و دخالت گری مردمی، دژخیمان رژیم بسادگی و راحتی دهه 60 نمی توانند، کسی را بازداشت و یا مخفیانه شکنجه و سربسته و اعدام کنند، بهمین ترتیب نیز می توان حضور و مشارکت مردمی را در عرصه های سیاست خارجی و ماجراجویی های هسته ای و مناقشات خطرناک نظامی تامین نمود و از تاخت و تاز نیروهای جنگ طلب و فرماندهان نظامی جلوگیری کرد و نگذاشت که رسانه های سیاه و مزدور، افکار عمومی ایران و جهان را برای درگیری مسلحانه آماده کنند.

اگر فیدل به کشور های آمریکای لاتین هشدار می دهد که خود را برای وقوع یک جنگ وحشتناک اتمی در خاورمیانه آماده کنند، اپوزیسیون ایرانی باید از بی خیالی بیرون بیاید و خردمندان بارها بیشتر فعال شود تا از رویداد چنین جهنمی در کشور و منطقه جلوگیری کند.

مرداد 1389